

عنوان مسابقه ۱۶ آذر (روز دانشجو): دانشجوی طراز انقلاب اسلامی

کلیه سوالات مسابقه بر اساس متن طراحی شده است.

به ۳ نفر از دانشجویان منتخب که بیشترین امتیاز را کسب نمایند جوایز ارزشمندی تقدیم خواهد شد.

مقدمه:

۱۶ آذر ماه به عنوان یکی از روزهای ضداستکباری در تاریخ ملت ایران ماندگار و به دلیل حمله به حریم دانشجو و دانشگاه در تقویم کشورمان به عنوان "روز دانشجو" ثبت شد. ریشه حوادث این روز به اتفاقات ایران در سال ۱۳۳۲ برمیگشت. پس از اینکه دولت مصدق با کودتایی آمریکایی و انگلیسی در ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ سقوط کرد، جامعه ایران در بهت و حیرت فرو رفت و دانشگاه تهران که به واسطه حضور دانشجویان و نخبگان کشور نسبت به بیگانه دیدگاهی ضدامپریالیستی داشت، بیش از پیش رنگ ضد دیکتاتوری و امپریالیستی به خود گرفت. ر حالی که نفرت از کودتاچیان در افکار عمومی ایران موج میزد اخباری از گوشه و کنار مبنی بر بازگشت نمایندگان دولتهای خائن به کشور به ملت ایران می رسید. وعده ورود قریب الورد "دنيس رایت" کاردار سفارت انگلیس، حضور نیکسون معاون آیزنهاور رئیس جمهور آمریکا در ایران در کنار محاکمه مصدق طی چند روز مانده به آذر گویای آذر ماهی متفاوت برای ملت ایران در سال ۱۳۳۲ بود.

قطعی شدن سفر نیکسون به ایران در روز ۱۷ آذر به ایران، خشم مردم و دانشجویان را بیشتر کرد، دانشجویان معتقد بودند با اوضاع پیش آمده دانشگاه تحمل حضور نیکسون را ندارد.

در روز ۱۴ آذر دانشجویان دانشکده های حقوق و علوم سیاسی، علوم، دندان پزشکی، فنی، پزشکی و داروسازی دانشگاه تهران تظاهرات پرشوری علیه کوناچیان برگزار کردند. ۱۷ آذر مقارن سفر نیکسون به تهران روزنامه اطلاعات که در مقاله ای به شهادت دانشجویان اشاره کرده بود به سرعت از روی گیشه ها جمع شد.

در برنامه های نیکسون از ایران بازدید از دانشگاه تهران و دریافت دکترای افتخاری دانشکده حقوق نیز درج شده بود.

ماشین نیکسون و شاه که قصد عبور از سمت کوی دانشگاه را داشت با اعتراضات دانشجویان روبه رو شد و دانشجویان با سنگ و کلوخ به ماشین نیکسون و همراهانش حمله کردند.

نیکسون بعدها در مصاحبه ای درباره این سفر می گوید "تاکنون ندیده بودم دانشجویان یک کشور جهان سوم مقابل دیدگان یک مقام مسئول بالای آمریکایی به او ناسزا بگویند، هیچ گاه این صحنه از مقابلم نمی رود."

نزدیک شدن به ۱۶ آذر فرصت مناسبی است برای بازنگری و بازخوانی پرونده قطور جنبش دانشجویی برای درک آنکه تا به امروز این جنبش چه فرازها و فرودهایی به خود دیده است و امروز در کدام نقطه ایستاده و به کجا قرار است برسد.

برای بررسی کارشناسی هر حرکت اجتماعی نیاز به شاخص وجود دارد شاخصی که بتوان بر اساس نزدیکی و دوری از آن این حرکت را موشکافی کرد که تا چه حد به فلسفه وجودی و اساس خودش نزدیک است و تا چه حد می تواند به رسالت خود بر اساس معیارها عمل کند و با توجه به همین معیارها می توان آفات محتمل بر آن را بررسی نمود.

نزدیک شدن به روز دانشجو بهانه خوبی را فراهم می کند که جنبش دانشجویی که به تعبیر مقام معظم رهبری نماد بیداری دانشجویان است نگاهی دوباره به نقطه ای که ایستاده است بیاندازد و آن را با نقطه مطلوب مقایسه کند.

اما سوالی که دانشجویان از ابتدای دوران دانشجویی با آن سروکار دارند این است که در کنار تحصیل علم که وظیفه اصلی آنهاست چه تکالیف دیگری بر عهده دارند و برای دستیابی به آنها چه باید بکنند؟

پتانسیل بالای جنبش دانشجویی که در محیط دانشگاه وجود دارد اگر از آن به طور مناسبی استفاده شود می تواند این شور و دغدغه مندی حرکت انقلاب را تسری بخشد و باعث افزایش بیداری و نیروی محرک قوی در راستای حرکت رو به جلوی جامعه شود.

مروری بر بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)؛

خصوصیات دانشجوی طراز انقلاب، شاخص ها، مطالبات و آفت های جنبش دانشجویی به مناسبت بزرگداشت ۱۶ آذر "روز دانشجو"

حضور دانشجو در عرصه های مختلف اجتماع

در دانشجویان خصوصیتی از جمله جوان بودن، آرمانخواهی و داشتن پارمترهای اخلاقی و علمی وجود دارد که آنها را نسبت حوادث پیرامون حساس تر از اقشار دیگر می کند. لذا با توجه به این خصوصیتی که بر شمردیم و خصوصیات دیگر نمی توان انتظار بی تحرکی از دانشجویان داشت. لذا رهبر معظم انقلاب خواهان حضور جنبش دانشجویی و تداوم آن در عرصه اجتماع است: «جنبش دانشجویی – در کشور ما تاریخ بسیار جالبی دارد. این را از این جهت می گویم و رویش نکیه میکنم که این حرکت باید ادامه پیدا کند و این چیزی نیست که بتواند متوقف بشود؛ چون کشور در شرائطی است و نظام جمهوری اسلامی، ساخت و ویژگی ها و مختصاتی دارد که حتما جنبش دانشجویی در کنارش بایستی حضور داشته باشد.» (بیانات معظم له در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت (۱۳۸۷/۰۹/۲۴))

خصوصیات دانشجوی طراز انقلاب در منظومه فکری مقام معظم رهبری

۱- آرمانخواهی

دو نوع نگاه مطرح سیاست بین الملل در قالب نظریات «آرمانگرایی» و «واقعگرایی» وجود دارند که هر کدام عرصه بین الملل را زاویه دید خود می بینند. آرمان گرایان - که در اینجا بهتر است آنها را لیبرال بنامیم - خواهان جهانی بودند که صلح از طریق سازوکارهای حقوقی و سازمانی برقرار شود. واقع گرایان در مقابل این گروه جهان را مبتنی بر «قانون جنگل» و «جنگ همه علیه همه» می دیدند. به همین دلیل مجالی به ارزشها و آرمانهای اخلاقی نمی دادند مگر تا آنجا که ارزش ها و بیان آرمانها بتواند «منافع ملی» آنها را تامین کند به عبارتی آرمانها و اخلاق ابزاری برای رسیدن به هدف بود. در مقابل این نوع نگاه باید از گروهی نام برد که «واقع بین آرمانگرا» هستند. این گروه مدعی اند واقعیت ها را باید دید اما باید از ارزش های خود دفاع کرد. لذا «فعال دانشجویی آرمانخواه که واقعیتها را هم می شناسد، هرگز نباید در هیچ شرائطی احساس انفعال و بن بست کند. یعنی نباید از آرمانخواهی دست برداشت؛ نه در هنگام پیروزی های شیرین، نه در هنگام هزیمتهای تلخ. ما در عرصه ی دفاع مقدس پیروزی های بزرگی داشتیم، هزیمتهای تلخی هم داشتیم. امام (رضوان الله علیه) سفارش می کردند و میگفتند: نگوئید شکست، بگوئید عدم الفتح.» (بیانات معظم له در دیدار دانشجویان (۱۳۹۲/۰۵/۰۶))

بنابر این، رهبر انقلاب دانشجوی انقلابی را کسی داند که فساد، تجمل، پیشرفت را می بیند اما آرمانهای خود را هم فراموش نمی کند و در صدد تغییر «شرایط موجود» به سمت «وضعیت مطلوب» است.

۲- ضدیت با استکبار

نکته مهم اینست که ابتدا باید شاخصی برای شناسایی استکبار داشت تا بعد به مبارزه با آن پرداخت. از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی استکبار یعنی «دخالته در امور دیگران بر مبنای منافع خود» که دانشجویان را به مبارزه با آن دعوت می کند. «استکبار یک تعبیر قرآنی است؛ در قرآن کلمه ی استکبار به کار رفته است؛ آدم مستکبر، دولت مستکبر، گروه مستکبر، یعنی آن کسانی و آن دولتی که قصد دخالت در امور انسانها و ملت های دیگر را دارد، در همه ی کارهای آنها مداخله میکند برای حفظ منافع خود؛ خود را آزاد میداند، حق تحمیل بر ملت ها را برای خود قائل است، حق دخالت در امور کشورها را برای خود قائل است، پاسخگو هم به هیچ کس نیست؛ این معنای مستکبر است.»

(بیانات معظم له در دیدار دانش آموزان و دانشجویان (۱۳۹۲/۰۸/۱۲))

۳- کمک به پیشرفت کشور

نیروی انسانی مهم ترین سرمایه هر کشور برای پیشرفت محسوب می شود. الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی بدون نیروی انسانی متعلق به ایران و اسلام که متخصص و کار کشته باشد میسر نیست از این جهت مقام معظم رهبری روی نیروی انسانی تمرکز دارند. «این عنصری که در این کارگاه عظیم با همت و تلاش خود و با هدایت و کمک استادان، ارزش افزوده و فوق العاده ای پیدا می کند، دانشجویست. و یقیناً با این نگاه، دانشگاه مهمترین زیر ساخت پیشرفت و توسعه ی کشور است؛ یعنی هیچیک از زیر ساخت های گوناگون کشور اهمیت و نقش دانشگاه را ندارد؛ چون دانشگاه نیروی انسانی را تربیت می کند که مهمترین سرمایه ی کشور نیروی انسانی است.» (بیانات معظم له در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت (۱۳۸۷/۰۹/۲۴))

۴- کمک به اتحاد ملی

دانشجویان و تشکل های دانشجویی در صورتی در راستای الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی گام بر می دارند که نخستین گامشان اتحاد ملی و انسجام اسلامی باشد.

«تشکل های دانشجویی مواظب باشند هدفهایشان را گم نکنند. هدفهای اصلی تشکل های دانشجویی همان چیزهایی است که بر روی طاق بلند جنبش دانشجویی نوشته شده: ضدیت با استکبار، کمک به پیشرفت کشور، کمک به اتحاد ملی، کمک به پیشرفت علم، حضور و شرکت در مبارزه و پیکار همگانی ملت ایران برای غالب آمدن بر توطئه ها و بر دشمنی ها؛ اینها هدف اصلی است؛ این را باید فراموش نکنند.»

(بیانات معظم له در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت ۱۳۸۷/۰۹/۲۴)

۵- کمک به پیشرفت علم (عزت و مرجعیت علمی)

اقتصاد دانش بنیان پایه اساسی اش علم و دانش است. علم هم بدون پژوهشگر و دانشجو و دانشگاهیان پیشرفت نخواهد کرد. «عرض کردیم که کشور باید به عزت علمی برسد. هدف هم باید مرجعیت علمی باشد در دنیا؛ همین طور که بارها عرض کرده ایم.» (بیانات معظم له در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت ۱۳۸۷/۰۹/۲۴)

علم در اینجا شامل تمامی علوم از جمله علوم انسانی می شود. «یکی از کارهای لازم، تشکیل جلسات فکری وسیعی است که مجموعه ی دانشجویی، همراه با مجموعه ی حوزوی، با برنامه ریزی خوب، میتواند به وجود بیاورد تا بنشینند درباره ی مسائل گوناگون فکر کنند. گسترش فکر و پراکندن فکر درست و صحیح میتواند همان ثمراتی را ببخشد که ما در زمینه های مسائل علم و فناوری و پیشرفت علوم از دانشجو توقع داریم؛ یعنی شکوفائی، آوردن حرف نو به میدان اندیشه.»

(بیانات معظم له در دیدار دانشجویان ۱۳۸۷/۰۷/۰۷)

۶- حضور و شرکت در مبارزه و پیکار همگانی ملت ایران با دشمن

برای مقابله با دشمن، اولین گام شناخت دشمن و اهداف و شیوه های او به منظور مقابله با آن است. «سیستم تبلیغاتی دشمنان، رادیوهای بیگانه و اذتاب و دنباله های آنها در داخل تلاش می کنند با ممزوج کردن حق و باطل، ملت ایران را در مورد آینده مأیوس کنند و از الگو شدن نظام اسلامی جلوگیری نمایند و در برابر این هجوم، باید به روشنگری صحیح و اقتناع کننده پرداخت و با دفع مستدل و مستحکم، شبهه ها را زدود»

(بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با ائمه جمعه سراسر کشور ۱۳۷۹/۰۷/۱۱)

«ملت و دولتی تسلیم می شود که دشمن را درست شناسد یا دچار فساد و بدبختی باشد، اما اگر دشمن شناسی بود آن وقت شعارها، شعارهای روشن و آگاهانه یی خواهد بود.»

(بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان و دانش آموزان ۱۳۷۸/۰۸/۱۲)

«دانشجویان عزیز! ببینید که دشمن در محاسبات خود عنصر دانشجو را وارد می کند. البته از مدتی پیش وارد کرده است؛ اما حالا دشمن به صورت عملی می خواهد با عنصر دانشجو، بازی کند. هوشیاری شما، آگاهی شما، ایمان شما و دقت نظر شما باید دشمن را ناکام کند. هر چه می توانید، در موضع یک انسان آگاه و هوشیار عمل کنید. مملکت متعلق به شماست، نگذارید این کشور، این منابع، این قدرت عظیم و این منطقه حساس به دست دشمن بیفتد. خودتان را آماده کنید.»

(بیانات معظم له در خطبه های نماز جمعه ۱۳۷۸/۰۵/۰۸)

۷- عدالتخواهی

دانشجوی انقلابی و جنبش دانشجویی از منظر رهبر معظم انقلاب باید عدالتخواه باشد و شاخص هایی هم برای عدالتخواهی قرار می دهند.

«شما میگوئید که ما شعار عدالت میدهیم؛ دانشجو را میگیرند، اما آن کسی را که به عدالت صدمه زده، نمیگیرند... اینجا شما باید زرنگی کنید؛ یک لحظه از درخواست و مطالبه‌ی عدالت کوتاهی نکنید؛ این شأن شماست... پشوانه‌ی این فکر هم با همه‌ی وجود، خودم هستم و امروز بحمدالله نظام هست. البته تخلفاتی هم ممکن است انجام بگیرد؛ شما زرنگی تان این باشد: گفتمان عدالت خواهی را فریاد کنید؛ اما انتقاد شخصی و مصداق سازی نکنید وقتی شما روی یک مصداق تکیه میکنید، اولاً احتمال دارد اشتباه کرده باشید... هم وسیله‌ای به دست میدهید برای اینکه آن زرنک قانوندان قانون شکن – که من گفته‌ام قانوندانهای قانون شکن خطرناکند – بتواند علیه شما استفاده کند.»

(بیانات معظم له در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز ۱۳۸۷/۰۲/۱۴)

۸- مبارزه علیه فساد

فساد یکی از عواملی است که باعث دل‌سردی مردم از حکومت‌ها می شوند لذا به همین دلیل مقام معظم رهبری از همه خواهان مبارزه با فساد می شود. «هر جوان معتقد به عدل اسلامی ذهن و دل خود را به آن متوجه می‌یابد و از کسانی که مظنون به چنین تخلفاتی شناخته می‌شوند پاسخ می‌طلبد. و همچنین در کنار آن از دولت و مجلس و دستگاه قضائی عملکرد قاطعانه برای ریشه کن کردن این فسادها را مطالبه می‌کند. امروز این مهمترین و مطرح‌ترین مسئله‌ی کشور ماست و نسل جوان دانشجوی متعهد و مؤمن نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت بماند.»

(پیام مقام معظم رهبری به دومین همایش سراسری جنبش دانشجویی ۱۳۸۱/۰۸/۰۶)

۹- ضدیت با اشرافیگری

یکی از دلایل انقلاب اسلامی ایران مبارزه با خلق و خوی اشرافیگری است که در مسئولان وجود داشت. لذا وجود این صفت زشت در مسئولین باعث دلزدگی مردم به ویژه فقرا می شود. مقام معظم رهبری از دانشجوی انقلابی مبارزه با اشرافیگری را می خواهد که البته در چارچوب منطق و اخلاق باشد.

«آرمان گرایی جوان ایرانی ما عبارت است از ترسیم آینده‌ی با این خصوصیات. ما نظام و کشوری می خواهیم که پیشرفته باشد و مردم آن دانشمند و بیدار و زنده باشند؛ غفلت زده و خواب آلوده نباشند؛ کشور بر خوردار از عدالت باشد؛ مبرای از فساد باشد؛ طبقه‌ی اشراف بر آن حاکمیت نداشته باشد – چه اشراف سنتی، چه طبقه‌ی جدیدی که ممکن است اسمشان اشراف نباشد، اما در واقع اشراف باشند»

(بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان ۱۳۸۴/۰۲/۱۹)

«ما اگر بخواهیم تجمل و اشرافیگری و اسراف و زیاده روی را – که واقعاً بلای بزرگی است – از جامعه مان ریشه کن کنیم، با حرف و گفتن نمیشود؛ که از یک طرف بگوئیم و از طرف دیگر مردم نگاه کنند و ببینند عملمان جور دیگر است! باید عمل کنیم. عمل ما بایستی مؤید و دلیل و شاهد بر حرفهای ما باشد تا اینکه اثر بکند. این خوشبختانه هست. فاصله تان را با طبقات ضعیف کم کرده اید و کم نگه دارید و هر چه که ممکن است آن را کمتر کنید.»

(بیانات معظم له در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۷/۰۶/۰۲)

۱۰- مبارزه گرایشهای انحرافی

از ویژگی های دانشجویان باید پیشگام بودن در عرصه های مختلف است. به دلیل همین پیشگام بودن در معرض بسیاری از عقاید و اندیشه ها قرار می گیرد که لازمه آن مبارزه درست و عقلانی با آن توسط دانشجو است. نتایج اقدامات دانشجو در این مبارزه می تواند برای جامعه اثرهای مثبت و منفی بالایی را داشته باشد.

لذا رهبر انقلاب یکی از خصوصیات که برای دانشجوی انقلابی بر می شمارد مبارزه با گرایش های انحرافی است. «این برداشت من از جنبش دانشجویی و نگاه من به جنبش دانشجویی است: ضد استکباری، ضد فساد، ضد اشrafیگری، ضد حاکمیت تجمل گرایانه و زورگویانه، ضد گرایشهای انحرافی؛ اینها خصوصیات جنبش دانشجویی است.»

(بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت (۱۳۸۷/۰۹/۲۴))

اما شاخص های اصلی جنبش دانشجویی چیست؟

رهبر معظم انقلاب طی دیدارهای متعددی که در سالهای اخیر با جمع دانشجویان و نخبگان کشور داشته اند، با برشمردن شاخص ها و خصوصیات اصلی جنبش دانشجویی به تشریح آنها برای دانشجویان پرداخته اند و دانستن این شاخص ها را لازمه "بیداری دانشجویی" در ایران دانسته اند.

"آرمانگرایی در مقابل مصلحت گرایی" یکی از این خصوصیت ها و شاخص های اصلی جنبش دانشجویی است. مقام معظم رهبری در این خصوص فرموده اند: «انسان وقتی که در محیط تلاش و کار معمولی زندگی قرار می گیرد، گاهی موانع جلوی چشم او را می گیرد؛ آرمانها را دور دست و غیر قابل دستیابی به انسان نشان می دهد و این خطر بزرگی است. گاهی آرمانها فراموش می شوند. در محیط جوان، آرمانها محسوس، ملموس، زنده و قابل دسترسی و دستیابی است؛ لذا برای آنها تلاش می شود. خود این تلاش، تلاش مبارکی می شود.»

"صدق و صفا و خلوص است" از دیگر شاخص های جنبش دانشجویی است. مقام معظم رهبری در این باره می فرمایند: «در حرکت دانشجویی، کلک، تقلب، حيله و شیوه های غیر انسانی ای که معمولاً در محیطهای زندگی رائج به کار می رود، کمرنگ است و یا به طور طبیعی نیست.

در محیط معمولی زندگی، در محیط سیاست، در محیط تجارت و در محیط بده بستانهای اجتماعی، هر کس هر حرفی که می زند، مواظب است ببیند از این حرف چه گیرش می آید و چه از دست می دهد. حالا بسته به این است که چقدر زرنگ، چقدر پشت هم انداز و چقدر عاقل باشد — یا در نقطه مقابلش قرار گرفته باشد — تا چیزی از دست بدهد، یا چیزی به دست آورد.

اما در محیط حرکت دانشجویی، نه؛ حرف را برای خوب بودنش، برای درست بودنش، برای جاذبه داشتنش برای خود و برای حقیقت، بیان و دنبال و تعقیب می کنند. نمی خواهم تعمیم دهم و بگویم که هر نفر از آحاد دانشجو، هر تک تکی از این حرفهایی که می زند، این طور است؛ نه، اما این رنگ غالب است.»

"رهایی از وابستگی های گوناگون حزبی و سیاسی" شاخص دیگری است که رهبر فرزانه انقلاب اسلامی درباره جنبش های دانشجویی برشمرده اند.

مقام معظم رهبری در این باره خطاب به دانشجویان فرموده‌اند: «در این مجموعه حرکت دانشجویی، انسان می‌تواند این خصوصیت را مشاهده کند که این هم یک شعبه از همان مصلحت‌گرایی است. غالباً در این جا از تقی‌داتی که معمولاً مجموعه‌های گوناگون سیاسی و غیر سیاسی برای افراد خودشان فراهم می‌کنند، خبری نیست و جوان حوصله این قید و بندها را ندارد.

لذا در گذشته پیش از انقلاب، احزابی بودند و کارهایی می‌کردند؛ اما به دانشگاه که می‌رسیدند، ضابطه از دستشان در می‌رفت! ممکن بود چهار نفر عضو هم یارگیری می‌کردند، اما نمی‌توانستند انضباطهای مورد نظر خودشان را – انضباطهای حزبی خیلی شدید که در احزاب دنیا معمول بود و هست – در محیط دانشجویی به درستی اعمال کنند؛ زیرا دانشجوی بالاخره در جایی به اجتهاد می‌رسد. آن زمانها حزب توده، حزب فعالی بود؛ تشکیلات خیلی وسیعی هم داشت؛ با شورویها هم مرتبط بود و اصلاً برای آنها کار می‌کرد؛ اما به دانشگاه که می‌رسید، مجبور بود بسیاری از حقایق حزبی را از چشم دانشجوی پنهان کند!»

"ظلم‌ستیزی و استکبارستیزی" مشخصه دیگر جنبش‌های دانشجویی است که رهبر فرزانه انقلاب اینگونه در مورد این شاخص توضیح می‌دهند: در مقابل مظاهری که از نظر فطرت انسانی زشت است – مثل ظلم، زور گویی، تبعیض، بی‌عدالتی، تقلب، دورویی و نفاق – حساسیت منفی دارد و آن را دفع می‌کند.

یک وقت در اوّل انقلاب، همین گروه منافقین، با استفاده از فرصت انقلاب توانست در میان جوانان و دانشجویان نفوذی پیدا کند؛ اما وقتی معلوم شد که اعضای این گروه، منافقند، غالباً روی برگرداندند. چرا به آنها منافق می‌گفتند؟ چون ادعایشان این بود که براساس ایدئولوژی دین تشکیلات دارند، تلاش می‌کنند و آینده معین می‌کنند؛ اما در عمل معلوم می‌شد که نه، از ایدئولوژی دین هیچ خبری نیست؛ تفکرات، تفکرات التقاطی مارکسیستی است؛ آن هم نه مارکسیستی یک دست؛ التقاطی، مخلوط و آشفته؛ و در عمل خارجی و فعالیت و مبارزات هم آن چیزی که حاکم بر بیشترین فعالیت‌های آنهاست، قدرت طلبی است.

تلاش برای این که به قدرت دست پیدا کنند؛ قدرتی که در پدید آمدنش نقش زیادی نداشتند؛ بلکه به عنوان یک مجموعه اصلاً نقش نداشتند؛ هر چند ممکن بود افرادی از آنها هم در خلال ملت نقش داشته باشند. لذا چون نفاق آنها معلوم شد – معلوم شد که ظاهرشان با باطنشان؛ حرفشان با دلشان؛ ادعایشان با آنچه که حقیقتاً آن را دنبال می‌کنند، یکی نیست – مجموعه جوان دانشجویی از اینها اعراض کرد و روی برگرداند.

"منطق و تفکر و بینش صحیح" از جمله شاخصه‌های جنبش دانشجویی است. مقام معظم رهبری در اینبار می‌فرمایند: «ششمین خصوصیت این حرکت دانشجویی و این پدیده ذاتی محیط دانشگاهها این است که بر این حرکت، فقط احساسات حکومت نمی‌کند؛ بلکه ضمن این که احساسات هست، منطق و تفکر و بینش و تحصیل و میل به فهمیدن و تدقیق هم در آن وجود دارد.

البته شدت و ضعف دارد؛ گاهی کم و گاهی زیاد. از نظر ما، اینها خصوصیتی است که در این مجموعه موسوم به حرکت دانشجویی، یا بیداری دانشجویی وجود دارد. البته کسانی که اهل تحلیل و تدقیقهای این طوری هستند، بگردند و خصوصیات دیگری هم پیدا کنند؛ که حتماً هم وجود دارد و من حالا نمی‌خواهم آن طوری بحث کنم.

{بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف ۱۳۷۸/۰۹/۰۱}

بررسی مطالبات رهبر انقلاب از دانشجویان

حالا می‌رسیم به سوالی که دانشجویان از ابتدای دوران دانشجویی با آن سروکار دارند و آن سوال این است که در کنار تحصیل علم که وظیفه اصلی آنهاست چه تکالیف دیگری بر عهده دارند و برای دستیابی به آنها چه باید بکنند؟ مقام معظم رهبری در دیدارهای مختلف خود مجموعه‌ای از مطالبات از دانشجویان را مطرح می‌کنند که ممکن است در ابتدای امر دستیابی به همه آنها مشکل باشد ولی خود ایشان در این باره توضیح می‌دهند که: «ما در دیدارهای دانشجویان معمولاً مطالباتی را مطرح می‌کنیم؛ آیا این بر توفعی است؟ این یک سؤال است. اگر انسان مجموعه عرایضی را که من در دیدارهای دانشجویی، چه در ماه رمضان‌ها، چه در دانشگاه‌هایی که من در شهرستان‌ها یا در تهران شرکت کردم، جمع کند، یک فهرست طولانی از مطالبات این حقیر از مجموعه دانشجویان به وجود می‌آید. ممکن است کسی بگوید آقا اینها بر توفعی است. من عقیده ندارم بر توفعی است. چرا؟ توجه به نیروی متراکم در دانشگاه، گمان بر توفعی را نمی‌کند. اگر چنانچه شما از یک جوان ورزشکار پر نشاط نیرومندی بخواهید یک بار سنگینی را از یک جایی بردارد، به یک جای دیگری بگذارد، این به هیچ وجه توقع زیادی نیست. بله، اگر چنانچه فروت باشد، پیر باشد، ضعیف باشد، لاغر باشد، نمی‌شود توقع داشت؛ اما وقتی تواناست، خوب بکند (۱۷/۵/۹۱)».

پس دستیابی به این اهداف امری غیر قابل دسترس نیست و شدنی است. به طور کلی می‌توان مجموعه مطالبات ایشان را در حوزه های سیاسی، اجتماعی، علم و تحصیل و اخلاق بررسی کرد.

مطالبه در حوزه سیاسی: رهبر معظم انقلاب یکی از تکالیف دانشجویان را کسب آگاهی و هوشیاری در زمینه های سیاسی می‌دانند و از دانشجویان می‌خواهند که درباره کوچترین مسائل دنیا تحلیل داشته باشند و از مسئولانی که به دنبال سیاست زدایی از فضای دانشگاه‌ها هستند انتقاد می‌کنند: «بنده دلم می‌خواهد این جوانان ما شما دانشجویان؛ چه دختر، چه پسر و حتی دانش آموزان مدارس روی این ریزترین پدیده‌های سیاسی دنیا فکر کنید و تحلیل بدهید. گیرم که تحلیلی هم بدهید که خلاف واقع باشد؛ خدا لعنت کند آن دست‌هایی را که تلاش کرده‌اند و می‌کنند که قشر جوان و دانشگاه ما را غیر سیاسی کنند. کشوری که جوانانش سیاسی نباشند، اصلاً توی باغ مسائل سیاسی نیستند، مسائل سیاسی دنیا را نمی‌فهمند، جریانهای سیاسی دنیا را نمی‌فهمند و تحلیل درست ندارند. مگر چنین کشوری می‌تواند بر دوش مردم، حکومت و حرکت و مبارزه و جهاد کند؟! (۷۲/۸/۱۲)»

دانشجو باید مرد زمان خود باشد: تاکید مقام معظم رهبری بر این فضا داشتن «احساس، درک و تحلیل سیاسی» است: «دانشجویی که اصلاً نفهمد در دنیا چه می‌گذرد، این دانشجو، دانشجوی زمان خودش نیست؛ مرد زمان خودش نیست. دانشجو باید احساس سیاسی داشته باشد، درک سیاسی داشته باشد، تحلیل سیاسی داشته باشد. (۷۲/۸/۱۲)»

دانشجویان در کنار تحصیل علم و خودسازی روحی، تکالیفی را نیز در برابر اجتماع دارند و نباید نسبت به جامعه اسلامی و انقلاب اسلامی و آرمانهای آن بی تفاوت باشند: «حال باید ببینیم یکی از اساسی ترین وظایف هر جوان که در دوران دانشجویی و تحصیل به سر می‌برد یا به امور دیگر مشغول است، چیست؟ به نظر من از اساسی ترین وظایف این است که این روحیه دفاع، احساس مسئولیت و تکلیف در مقابل این کشور و آرمان های آن را در خود زنده نگه دارد. (۷۳/۷/۱۴)»

بی تفاوتی دانشجوی نسبت به مسائل جامعه درد بزرگی است: ایشان با مصیبت بزرگ خواندن بی تفاوتی دانشجوی نسبت به جامعه و مسائل آن می فرمایند: «اگر هدف دانشجوی این باشد که درس بخوانم، برای اینکه زندگی شخصی خودم را — مثلاً — آماده کنم، بقیه هر چه شد، بشود؛ خطر خیلی بزرگی است».

ایشان اضافه می کنند: «اگر جهت زندگی دانشجوی این باشد که به مسائل جامعه و آنچه که می گذرد بی اهمیت، بی اهتمام، بی علاقه و بی مبالا باشد، مصیبت خیلی بزرگی است. فرض بفرمائید به دانشجوی گفته شود که بخشی از نیروهای کشور دچار آفات عقیدتی و فکری اند، شانه بالا بیندازد و بگوید به من چه!! همچنان که اگر بگویند بخشی از مردم در فلان جا دچار زلزله شدند و از بین رفتند شانه بالا بیندازد و بگوید به من چه!! بخشی از مردم از لحاظ وضع معیشتی دچار دشواری و مشکل اند، شانه بالا بیندازد و بگوید به من چه!! این حالت بی تفاوتی مصیبت خیلی بزرگی است. (۷۶/۱۱/۱۱)»

حتی رهبر معظم انقلاب این احساس مسئولیت را نیز در فضای دانشگاه ارزشمند خوانده و پذیرش مسئولیت در این عرصه را باعث افزایش قدر و قیمت دانشجوی می دانند: «من نسبت به مسئولیت در محیط دانشگاه یک حساسیت دارم. یعنی احساس می کنم شما هر چه که قدر و قیمت دارید، به مجرد اینکه در محیط دانشجویی مسئولیت به عهده گرفتید، این قدر و قیمت، مضاعف خواهد شد، همه خصوصیات فکری و ذهنی و عملی و منش ها و رفتارهای شما، اهمیت پیدا می کند. (۱۳۷۵/۹/۱۵)»

مطالبات در حوزه علم و تحصیل: مقام معظم رهبری در دیدارهای مختلف خود تأکید کرده اند که وظیفه اصلی دانشجوی تحصیل است و سایر فعالیت ها نباید این موضوع را تحت شعاع قرار دهد و به فضای علمی دانشگاه ها لطمه بزنند. «بی رودربایستی باید به شما عرض کنم که اگر شما بخواهید درس خواندنتان را فدای این کارهایی بکنید که خیال می کنید خوب است — حالا یا خوب است، یا خوب هم نیست — بنده هیچ اعتقادی به این کار ندارم. درس، اول است. فلسفه حضور شما در آن جا درس خواندن است. اگر واقعاً دانشجویی درس نخواند، بلاشک بدانید که او مشغول ذمه است... حالا در دنیا ممکن است کسی یقه کسی را در این طور چیزها نگیرد؛ اما در روز قیامت یقیناً سؤال خواهند کرد که چرا درس نخواندی؟! (۷۷/۱۲/۴)»

لزوم مرجع علمی شدن در جهان: در این حوزه نیز هدف اصلی و قله مدنظر جریان دانشگاهی باید دستیابی به «مرجعیت علمی» و «تولید علم دینی و بومی» است: «عرض کردیم که کشور باید به عزت علمی برسد. هدف هم باید مرجعیت علمی باشد در دنیا؛ همین طور که بارها عرض کرده ایم. یعنی همین طور که شما امروز ناچارید برای علم و دستیابی به محصولات علمی به دانشمندانی، به کتاب هایی مراجعه کنید که مربوط به کشورهای دیگرند، باید به آنجا برسیم که جویندهای دانش، طالب علم، مجبور باشد بیاید سراغ شما، سراغ کتاب شما؛ مجبور باشد زبان شما را یاد بگیرد تا بتواند از دانش شما استفاده کند. هدف باید این باشد. این یک آرزوی خام هم نیست. این چیزی است که عملی است. اینجایی هم که ما امروز از لحاظ علمی و فناوری قرار داریم، این هم یک روزی جزو آرزوهای خام به حساب می آید. (۸۷/۹/۲۴)»

البته این هدفی است که باید جریان غالب دانشگاهی کشور به دنبال آن بروند و الا ممکن است عده ای از افراد باشند که توانایی رسیدن به آن قله را نداشته باشند. ایشان در همین باره در پاسخ به سوالی که یکی از دانشجویان در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی مطرح کردند فرمودند: «اینکه ما مسأله تولید علم را مکرر در دانشگاه مطرح کردیم و باز هم مطرح می کنیم و در آینده هم این شاء الله مطرح خواهیم کرد، معنایش این نیست که از یک یک مخاطبان می خواهیم تولید علم کنند؛ بلکه معنایش این است که این ارزش، هدف و حرکت جمعی — که انگیزه های فردی در پی آن است — بشود.»

مطالبات در حوزه اخلاق و معنویت: یکی از برنامه های اساسی هر مسلمان تزکیه و خودسازی معنوی است دانشجویان نیز در این باره وظیفه خودسازی و تزکیه نفس را دارند: «البته در درجه اول، جوان دانشجو و دانش آموز باید خودسازی کند. خودتان را با تربیت دینی بسازید. امور تربیتی خوب است، معلم تربیتی خوب است، گوینده تربیتی خوب است؛ اما آن کسی که از درون خود، موعظه کننده و تربیت کننده بی نداشته باشد «واعظ من نفسه» این تربیتها به کارش نمی آید. خودتان را بسازید، با نفس مبارزه کنید، اجرای حکم الهی را در محدوده شخص خودتان بزرگ بشمارید و به نماز، به توجه به خدا، به دعا و به توکل اهمیت بدهید؛ این شما را پولادین خواهد کرد. (۷۰/۸/۱۵)»

چه آفت هایی جنبش های دانشجویی را تهدید می کند؟

اما در کنار بیان شاخص های و همچنین مطالبات ایشان از دانشجویان و جنبش های دانشجویی نکته ای که ایشان به شدت بر روی آن تاکید می فرمایند، آفت هایی است که این مجموعه را تهدید می کند. همه دانشجویان باید به شدت مراقب این آفات باشند چرا که گرفتار شدن به آن می تواند کشور را دچار بحران اساسی کند. دشمن به شدت به تحولات جنبش دانشجویی و حرکات آن حساس است و دائماً رصد می کند تا ببیند موقعیت مناسبی دست می دهد تا بتواند از این پتانسیل در جهت اهداف خود استفاده کند. رهبر معظم انقلاب اسلامی طی سخنرانی در دانشگاه صنعتی شریف به تفصیل به واکاوی و بررسی آفات جنبش های دانشجویی پرداختند که در ادامه این گزارش به صورت گزیده شده می خوانید؛

آفت اول: طمع مجموعه های ناباب / یکی از آفات حرکت دانشجویی این است که عناصر و مجموعه های ناباب به آن طمع بورزند و بخواهند از آن سوءاستفاده کنند. در دوره ای — که ما هم در آن دوره، خودمان از نزدیک شاهد و واقف به کارهای اینها بودیم — بعضیها بودند که دلشان می خواست سر به تن جنبش دانشجویی نباشد! هر جا که حرکت جوانان، بخصوص دانشجویان بود، اینها رویشان را در هم می کشیدند و طاقت نداشتند! اینها وقتی ببینند که میدانی هست و بالاخره دانشجو و نسل جوان در کشور حرف می زند و تعیین کننده است، بنا می کنند اول سینه خیز، بعد یواش یواش نیم خیز، بعد هم یواش یواش با گردن افراشته می آیند که بله، ما هم هستیم! اگر مجموعه های سیاسی قدرت طلب بدنیّت بددل بدسابقه، طرف حرکت دانشجویی آمدند و خودشان را به آن چسبانند و بر آن دست گذاشتند، این می شود آفت. گاهی از همین تجمّعه ها و تشکلهای دانشجویی که پیش من می آیند، به آنها صریحاً گفته ام که آن مجموعه های خطرناک چه کسانی هستند. چون این صحبت ممکن است پخش شود، در این جا پیش شما اسم نمی آورم؛ اما برای آنها اسم هم آورده ام.

مواقعی هست که یک انسان بد و یک نیّت ناپاک می خواهد از یک نیّت خوب، از یک انسان خوب، از یک حرکت خوب سوءاستفاده کند که انسان دلش می سوزد و اگر بتواند، حاضر نیست چنین چیزی اتفاق بیفتد. این جا هم از همان قبیل است. دانشجویان باید مواظب باشند. نمی شود بگوییم کسانی مواظب دانشجویان باشند؛ این نقض غرض خواهد شد. خود دانشجویان باید مواظب باشند که انسانهای بد نیّت، تجمّعه های بد نیّت، تشکیلاتهای بد نیّت، مجموعه های بد نیّت و بد سابقه و بد نام، نزدیک نشوند. اگر هم می خواهند کار خیری بکنند، بروند خودشان کار خیر بکنند؛ به مجموعه دانشجویی کاری نداشته باشند.

آفت دوم: دور شدن از آرمانگرایی و آرمان ها / یکی دیگر از آفات جنبش دانشجویی دور شدن از آرمانهاست. عزیزان من! ببینید؛ سالها قبل از انقلاب، یک واقعه جنایت آمیز در روز شانزده آذر اتفاق افتاد. از اوّل انقلاب، می شد کاری کنند که شانزده آذر اصلاً فراموش شود؛ چون آن قدر ما حوادث داشتیم! اما نه، مسؤولان کشور و علاقه مندان به مسائل کشور، مایلند خاطره این روز

زنده بماند. چرا؟ چون آن روز به خاطر سخن حقّی، اتفاقی در دانشگاه افتاد که بعدها جبهه دژ خیمان به خاطر همان هدفی که جوانان داشتند – و هدف والایی هم بود – با آنها مقابله کردند و به کشته شدن سه نفر انجامید.

مسئله آن روز چه بود؟ ضدّیت با امریکا. چه زمانی؟ آن زمان که سیاست امریکا و دولت امریکا و رژیم امریکا و عناصر اطلاعاتی و نظامی امریکا، در تمام شؤون این کشور حاکم بودند. در این کشور، چه آشکار و چه پنهان، همه چیز در دست امریکاییها بود.

امروز که شما می‌بینید امریکاییها از این که ایران اسلامی به طرفشان نمی‌رود، زنجیر می‌جوند، به یاد آن روز است؛ چون این جا جایی بود که اینها می‌ایستادند و از این جا به همه منطقه – کشورهای عربی و ترکیه و ... – فخر و آقایی می‌فروختند و اعمال نفوذ می‌کردند؛ چون این جا را مال خودشان می‌دانستند! ... در چنین شرایطی، حالا یک عده بیایند به عنوان دانشجوی، نقطه مقابل حرکت شانزده آذر را علّم کنند؛ یعنی گرایش به امریکا تحت عناوین بسیار پوچ و سست و غیر منطقی و غیر مستدل.

این پشت کردن به جنبش دانشجویی است؛ این اصلاً جنبش دانشجویی نیست؛ این به کلی یک چیز دیگر است؛ عکس آن است. مسئله مخالفت با امریکا را در قالبهای بسیار کوچک و سست و بی‌بنیاد جناح‌گرایی و امثال آن قرار دهند، برای این که اصل قضیه را از بین ببرند. این نمی‌شود. این از آفات جنبش دانشجویی است.

پس، یکی از آفات جنبش دانشجویی همین است که به آرمانها و آرمانگرایی پشت کنند. یا مثلاً وقتی که مسئله عدالت اجتماعی در کشور مطرح می‌شود، دانشجوی باید از این مسئله حمایت کند. عدالت اجتماعی، آن چیزی است که حتی کسانی که اصرار داشتند شعار عدالت اجتماعی را به دلایل سیاسی و با انگیزه‌های گوناگون کمرنگ کنند، بالاخره نتوانستند؛ مجبور شدند عدالت اجتماعی را مطرح کنند. در دنیا، غیر از مستکبران و زورگویان و چپاولگران عالم، هیچ انسانی نیست که به عدالت اجتماعی و شعار آن پشت کند. این شعار در کشور مطرح می‌شود؛ چه کسی باید از این شعار حمایت کند؟ چه کسی باید بیشتر از همه درباره آن بیندیشد؟ چه کسی باید برای آن کار کند و درباره راههای تأمین آن، تحقیق و بحث کند و میزگرد بگذارد، غیر دانشجویان؟ باید توجه داشت که این حرکت دانشجویی و بیداری دانشجویی، مطلقاً به سمت عکس جهت ها نرود. پس، یکی از آفات این جنبش، پشت کردن به آرمانها، فراموش کردن آرمانها و از یاد بردن آرمانهاست.

آفت سوم: سطحی شدن جنبش دانشجویی است / یکی دیگر از آفات مهم جنبش دانشجویی، سطحی شدن است. عزیزان من! از سطحی اندیشی به شدّت پرهیز کنید. خصوصیت دانشجوی، تعمّق و تدقیق است. هر حرفی را که می‌شنوید، رویش فکر و دقّت کنید.

چرا در اسلام هست که: «تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سَبْعِينَ سَنَةً» (۲)؛ یک ساعت فکر کردن، ارزشش از عبادت سالها بیشتر است؛ به خاطر این که اگر شما فکر کردید، عبادتتان هم معنا پیدا می‌کند؛ تلاشی سازندگیتان هم معنا پیدا می‌کند؛ مبارزه‌تان هم معنا پیدا می‌کند؛ دوستان را می‌شناسید، دشمنان را هم می‌شناسید. شما فرض کنید در یک جبهه جنگی آدمهایی پیدا شوند که جبهه خودی را از جبهه دشمن تشخیص ندهند – حیران و سرگردان دور خودشان بچرخند – گاهی این جاتیر بزنند، گاهی آن جاتیر بزنند؛ گاهی بالاتیر بزنند، گاهی به خودشان تیر بزنند! ببینید فکر که نباشد، آدم این طوری می‌شود.

عده‌ای می‌خواهند در های وهوی فریادها و شعارها و رنگ و روغنها دروغین، مجموعه دانشجویی را به این سمت بکشانند. این برای جنبش و حرکت دانشجویی خطر است. باید فکر کرد. با فکر، انتخاب، انتخاب درستی خواهد بود. اگر در انتخاب اشتباه هم بکند، چنانچه انسان اهل فکر باشد، با او راحت‌تر می‌شود حرف زد. آن آدمی که اهل فکر نیست، هر گونه انتخابی بکند، اگر اندک خطایی در آن باشد، نمی‌شود با او حرف زد و منطقی صحبت کرد؛ تسلیم تعصّبا و ندانستنها و جهالت‌های

خودش است؛ اما وقتی اهل فکر و دقت بود، اگر خطایی هم اتفاق افتاده باشد، یک نفر آدم خیر خواه می تواند با او حرف بزند و بگوید به این دلیل، این کار خطاست. نباید سطحی بود. به هر شعاری، به هر حرف گرمی، به هر دهان گرمی و به هر نقلی، نمی شود اعتماد کرد؛ باید فکر کرد. اساس قضایا فکر است. آن چیزی که انتظار عمده از انسانهای فرزانه و هوشمند است، این است.

آفت چهارم: به دام احزاب و گروهها افتادن است / یکی دیگر از آفات، به دام احزاب و گروهها افتادن است؛ که این را قبلاً هم گفتم. مواظب باشید، اختاپوس خطرناک احزاب و گروههای مختلف به سراغتان نیاید و شما را به دام نیندازد. از آن مجموعه آزاداندیش، اغلب خصوصیات مثبت را خواهند گرفت؛ که اگر این شد، آن وقت انسان در خدمت دشمنان انقلاب قرار می گیرد و چیز خطرناکی می شود و زندگی و سرمایه و آینده انسان حقیقتاً به باد می رود و انسان دچار حسرت می گردد. صحبت قدری طولانی شد. من فقط در پایان این بخش از صحبتم توصیه کنم که شما عزیزان با نهج البلاغه انس پیدا کنید.

نهج البلاغه، خیلی بیدار کننده و هوشیار کننده و خیلی قابل تدبّر است. در جلساتتان، با نهج البلاغه و کلمات امیرالمؤمنین صلوات الله وسلامه علیه انس پیدا کنید. اگر خدای متعال توفیق داد و یک قدم جلو رفتید، آن وقت با صحیفه سجّادیه که علی الظاهر فقط کتاب دعاست؛ اما آن هم مثل نهج البلاغه، کتاب درس و کتاب حکمت و کتاب عبرت و کتاب راهنمای زندگی سعادت‌مندانه انسان است انس بگیرید.

کانون فرهنگی قرآن و عترت آموزشگده فنی و کشاورزی فسا